Archive of SID

بررسی کارکردهای پرتره نگاری غرب

فائزه حسن شاهی*
دکتر امیر نصری**

چکیده: پژوهش درباره یکی از اساسی‌ترین ارائه‌های هنری، یعنی پرتره نگاری که طیف وسیعی از آثار هنری را به خود اختصاص داده است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. پرتره نگاری، هنر ارائه شباهت یا شخصیت یک فرد بوسیله تصویری قابل شناسایی است، اما پرتره‌ها به حالت‌های فیزیکی متفاوت ظاهر می‌شوند و کارکردهای سیاسی و اجتماعی مختلفی دارند. از مهمترین عواملی که باعث پیشرفت و دگرگونی پرتره نگاری می‌شود شناخت این کارکردها است. ایده رایج درباره هنر پرتره نگاری این است که این هنر، یک پدیده غربی است و رد آن سخت است. آنچه در این مقاله اساساً مورد بررسی قرار خواهد گرفت، شناخت و بررسی کارکردهای پرتره نگاری غرب است که نگارنده امیدوار است تا با بررسی نتایج آن، بتوان به درک و شناخت بهتر نقاشی‌های پرتره کمک کرد.

واژگان کلیدی: کارکردها، هنر ، پرتره نگاری ، غرب

مقدمه

از اوایل قرن پانزدهم میلادی، تحولی عمیق در تمام زمینه های فرهنگی و بخصوص در هنر غرب به وجود آمد. در این دوره پیوند میان هنر و دیانت که در دوره‌های پیشین مستقیم و ناگسستنی بود تا حدودی از هم گسست و تکیه هنرمندان بیشتر به جنبه‌های مادی و آرمان‌های طبیعی، خصوصاً انسان معطوف شد. در نتیجه انسان در نقاشی غرب با بینش جدیدی که در این مقطع تاریخی، تحت عنوان « انسانگرایی » مطرح شده بود تولدی دوباره یافت. پرتره‌نگاری نیز که بخشی از هنرهای تجسمی محسوب می‌گردد روایتگر و نشان‌دهنده چهره انسان در طول سالها تحول فرهنگ و تمدن بشری بوده است .

پرتره‌ها کارکردهای متنوعی دارند و به شکل رسانه‌های مختلف بروز می‌کنند. نقاشی به نسبت، رایج‌ترین رسانه بازنمایی در پرتره است. اما پرتره‌ها در چاپ‌ها و طراحی‌ها، مجسمه‌های نیم‌تنه، مقبره‌ها و بناهای یادبود، موزاییک، شیشه‌کاری و دیگر وسایل کاربردی نیز رایج هستند. عکس های پرتره نیز در طراحی و چیدمان‌های خانگی به کار می‌روند و در مجله‌های مشهور نیز دیده می‌شوند. بسیاری از پرتره‌ها برای مکان‌های عمومی یا برای سازمان‌های شهری یا مذهبی یا در موارد مالی مثل سکه ها و اسکناس ها تهیه می‌شوند. حتی از پرتره‌ها با کارکرد شخصی به صورت مینیاتوری یا عکس‌های خانوادگی برای یک شخص یا حتی یک گروه نیز می‌توان استفاده کرد. بنابراین بیش از هر رشته هنری دیگری، طراحی پرتره توجه را به خود جلب می‌کند زیرا که به روش‌های مختلفی می‌تواند بهره‌برداری و استفاده شود.

پرتره‌ها به نحوه طراحی و ساخته شدن خود وابسته‌اند، برای ثبت لحظه‌هایی که آنها را به وجود می‌آورند و به سرعت ازدست می‌روند. این چیزی است که « هانس گئورگ گادامر»[1] فیلسوف،گاهگاهی درباره پرتره مطرح می‌کند. (Gadamer,1989,101) .اما پرتره به صورت جادویی، زمان را منجمد می‌کند و لحظه ای از زندگی یک شخص را هنرمندانه ثبت می‌کند. پرتره‌ها بدین‌گونه می‌توانند هم لحظه های خاص را ثبت کنند و هم انگیزه‌ای برای ادامه چیزی باشند. بنابراین قدرت پرتره‌ها بین دائمی یا موقتی بودن درچرخش است. در اینجا به مهمترین کارکردهای پرتره اشاره می‌شود.

* **نویسنده مسئول**: کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز f_hasanshahi@yahoo.com
** استادیار فلسفه هنر دانشگاه علامه طباطبایی amir.nasri@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

پرتره به عنوان یک اثرهنری

پرتره کاری هنری است. یک راه برای امتحان موقعیت پرتره به عنوان شی هنری، نگاه کردن به تاریخ کلکسیون پرتره و گالری‌های پرتره و پیرامون آنهاست. قابل ذکر است که گالری‌های مربوط به پرتره جزء اولین گالری‌ها بودند.

این میراث وقتی به جا ماند که کلکسیون پرتره‌های اشخاص برجسته، هم در اروپای شمالی و هم در ایتالیا در قرن پانزدهم مورد توجه قرار گرفت. پرتره افراد ممتاز در کتابخانه‌ها به عنوان وسایل الهام و تقلید برای آموزش شاهزاده ها و دوک های رنسانس نصب می‌شد. در اکثر این موارد فرمول طراحی پرتره برای بازنمایی هر فردی یکسان بود. یکی از اولین و بزرگترین این مجموعه‌ها متعلق به « پائولو جیوویو»[۲]، در قرن شانزدهم می‌باشد. او ادعا کرده که می‌خواسته پرتره واقعی مردان ادبی را گرد هم آورد تا انگیزه‌ای برای انسان‌ها در رسیدن به فضیلت باشد. تا اواخر دهه ۳۰ قرن ۱۶ او حدود ۴۰۰ پرتره از مردان نامی را جمع‌آوری کرده بود و در ویلایش به نمایش می‌گذاشت. این پرتره ها شامل افراد مرده و زنده‌ای بود که به اصالت خانوادگی، کارهای مقدس، ارزش‌های نظامی و یا به عنوان نویسندگان و هنرمندان و رهبران شناخته می‌شدند. اگرچه جیوویو توجه زیادی به ارزش هنری آثار داشت، اما نگرانی اصلیش شخصیت وهویت مدل‌هایش بود. (Klinger,1991,121)

کلکسیونرها، پرتره‌های اشخاص را طبقه‌بندی می‌کردند. به عنوان مثال پرتره زنان زیبا، پرتره هنرمندان، پرتره سلاطین و..... کلکسیون جیوویو نیز یکی از اولین مثال های این قضیه در ایتالیا و آلمان و اسپانیا می‌باشد. وقتی «کازیمو د مدیچی»[۳]، تصمیم به شروع جمع‌آوری پرتره‌ها گرفت، عده‌ای از هنرمندان را به کپی‌کردن کلکسیون جیوویو درسال۱۵۵۳میلادی ترغیب کرد. درقرن هفدهم« لئوپلدو د مدیچی»[۴] ، این کپی از کلکسیون‌ها را بیشتر کرد،که به طور اتفاقی تبدیل به،کلکسیونی از خود نگاره هنرمندان شد که به آن « افیتسی »[۵] می‌گفتند. (Prinz,1971,226)

این واقعیت که بسیاری از این پرتره‌ها کپی بودند و نه اصل کار، بیان می‌کند که اصالت هنری دغدغه اصلی نبوده است. بنابراین اگرچه کلکسیون پرتره به عنوان آثار هنری به نمایش درمی‌آمد اما انگیزه پشت نمایش آنها بیشتر وابسته به سلسله ملی یاسازمانی بود. (تصویر ۱)

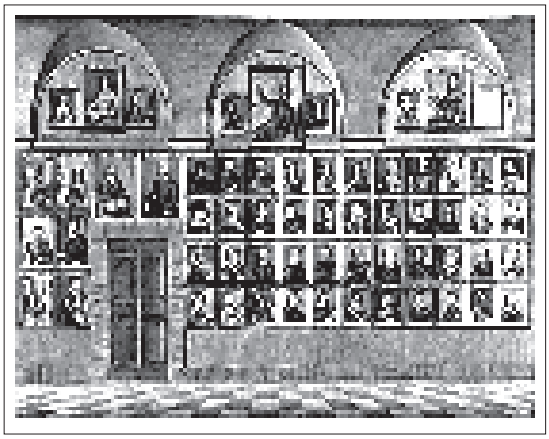

تصویر۱: استفانو گای تانو نری. (۱۷۵۳-۶۵میلادی).اتاق سلف پرتره‌ها در افیتسی.(west,45)

در قرن شانزدهم وهفدهم جمع‌آوری پرتره بین سلاطین اروپایی و طبقه اشراف رایج بود. در بعضی کلکسیون‌ها مدل‌ها را با ژست هایی نمایش می‌دادند که به صورت بصری انعکاس دهنده و مکمل یکدیگر بودند .(Eichberger,1995,225). گاهی اوقات کلکسیون‌ها می‌توانستند به عنوان شجره نامه برای تثبیت اصل و نصب صاحبان پرتره‌ها و یا برای تثبیت رابطه‌های آنها با دیگر سلاطین و اشراف به کار روند. مجموعه پرتره‌هایی از این دست توسط هنرمندانی خاص، به تنهایی یا گروهی انجام می‌شد که حتی آنها بعضی از سوژه‌های در گذشته و مرحوم را ندیده بودند. (Ingamells,1981,33)

در قرن نوزدهم برخی کلکسیون‌های خصوصی جای خود را به کلکسیون‌های بزرگتری دادند که نشان هویت ملی آنها بیشتر از نشان خانوادگیشان بود. یکی از اولین گروه های پرتره نگاری، توسط هنرمند آمریکایی «چارلز ویلسون پیل»[۶]، جمع‌آوری شد و در نمایشگاه پرسوناژهای برجسته در سال ۱۷۷۰ میلادی، درفیلادلفیا به نمایش گذاشته شد که شامل مردان مشهور و کسانی که در جنگ نشان رشادت و شجاعت بردند، می شد . (Fortune,1990,308)

در دهه ۵۰ قرن ۱۹ میلادی،«جی.اف.واتز»[۷] درانگلیس، پروژه‌ای شبیه به این را انجام کرد و با مجموعه‌ای از بهترین پرتره نگاران شروع به کشیدن چهره مشهورترین افراد زنده آن زمان کرد.(West,2004,47)

بحث‌های پیرامون کاربرد گالری ملی پرتره در لندن بیشتر نشان‌دهنده تنش بین استنباط های مختلف از پرتره به عنوان یک اثر هنری و کاربردهای کلی‌تر آن می‌باشد. در اواسط قرن نوزده بحث‌هایی درباره چگونگی برپایی گالری پرتره شکل گرفت و عده‌ای معتقد بودند فقط پرتره‌هایی با کیفیت بالا می‌توانند در گالری به نمایش گذاشته شوند. اما این بحث تحت سلطه افرادی قرار گرفت که بر اهمیت

www.SID.ir

Archive of SID

تاریخی چهره‌های مهم افراد بلند مرتبه تاریخ انگلیس تأکید داشتند. بنیان‌گذار طرح گالری ملی پرتره در یک سخنرانی در تاریخ ۱۸۵۶میلادی در کاخ پادشاهی، این موضوع را علنی کرد و نشان داد که گالری باید شامل پرتره کسانی باشد که بیشتر از بقیه در انگلیس افتخار آفریدند و بیشتر شامل جنگجویان یا سیاستمداران، بزرگان هنر، تاریخ و علم و ادبیات بودند.گالری پرتره بدین گونه با جشن ملی همزمان شد و به طور اجتناب‌ناپذیر، تاریخ را به نمایش گذاشت .(Sofntnn,1993,227) بحث‌هایی شبیه به این در ساختار و چگونگی نمایش پرتره ملی در کشورهای دیگر نیز شکل گرفت.

پرتره به عنوان بیوگرافی

پرتره‌ها شباهتی با فرم ادبی زندگی‌نامه نویسی و بیوگرافی دارند. تئوریسین هنری و پرتره‌نگار قرن هجدهم «جاناتان ریچاردسون» [۸]، نوشته معروفی دارد :

«یک پرتره نوعی تاریخ عمومی زندگی فردی را نمایش می‌دهد نه تنها به کسی که آن تاریخ را می‌داند، بلکه به بسیاری از دیگر افراد که در هنگام دیدن پرتره آنچه که در مورد آنهاست یا حداقل در مورد شخصیت عمومی آنهاست به آنها گفته می‌شود. بنابراین اینها در بسیاری موارد پاسخی برای هدف تصاویر تاریخی است.» (Richardson,1719,45)

در اینجا ریچاردسون اشاره می‌کند که پرتره می‌تواند همان نوع اطلاعاتی را در مورد یک فرد به ما منتقل کند که بیوگرافی می‌تواند آن کار را انجام دهد. مطمئناً این پنداشتی رایج از قرن شانزدهم به این‌سو بوده است که بیوگرافی به کرات با پرتره‌های حکاکی شده موضوع خود چاپ می‌شدند. ارتباط بین بیوگرافی و پرتره‌نگاری در قرن ۱۸ و ۱۹ به اوج رسید و کتب مختلفی نیز در این رابطه نوشته شد. اما باید توجه داشت که ارتباط بین پرتره و بیوگرافی، ارتباطی شفاف و ساده نیست. علی‌رغم آنکه هر دو این اشکال همدیگر را تقویت می‌کنند، هر یک دارای کارکرد منحصر به فرد خود است. (Wendorf,1990,308)

طبیعت آنی پرتره نگاری که مربوط به یک اتفاق خاص بود متفاوت است از جنبه‌های گسترده‌تر و وسیع‌تر شخصیت و عملکردی که نوشته های بیوگرافیکی را شامل می‌شود. با این حال ازقرن پانزدهم به بعد پرتره نگاران تلاش کردند اهمیت کار خود را با قراردادن شعارها، نشانه‌ها و دیگر موضوعات مربوط به شخصیت مدلهایشان عمق ببخشند. (Pope-Hennessy,1966,208)

پرتره‌های هنرمندان ایتالیایی تا قرن شانزدهم شامل اندرزهای شفاهی که گاهی خودشان خلق می‌کردند و یا از ادبیات کلاسیک می‌گرفتند می‌شد. این اندرزها که در زبان ایتالیایی به آنها « impresa» می‌گفتند ممکن بود در طومارها، باریکه‌های کاغذ، کتابها یا تاقچه‌ها دیده می‌شدند. آنها اساساً به کوتاهی زندگی یا اجتناب ناپذیری مرگ مرتبط بودند و یا به شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی مدل. در آثاری این چنینی، پرتره به سمت بازگویی زندگی نامه‌ای ویژگی‌های مدل می‌پرداخت اما چیزی که پرتره نمی‌توانست به آن دست یابد، نمایش اعمال و رفتار مدلش بود. زیرا که پرتره‌ها محدود به چهره و سنت‌های نشستن بودند و نمایش شخصیت، اغلب می‌بایست با افزودن این نوشته‌های ادبی اوج می‌یافت و تکمیل می‌شد. در قرن شانزدهم این نوع استفاده از نشانه و نوشته های ادبی با ایده‌ها و تفکرات معاصر درباره شخصیت افراد در هم آمیخت. به عنوان مثال نقاش از سنبل‌های طالع‌بینی جهت نشان‌دادن شخصیت مدل‌هایش استفاده می‌کرد. ایده‌های قرن شانزده در مورد شخصیت افراد، حاصل تفکری باستانی است که درآن شخصیت افراد از طریق غلبه یکی از چهار طبایع و سرشت‌ها مشخص می‌شد. تفاوت‌های بین بیوگرافی و پرتره‌نگاری چیزی فراتر از ابزار بازنمایی است. بیوگرافی‌ها عموماً حول محور زمانی سازمان می‌یافتند و دنباله رو سنت افشای نمایش شخصیت، ظاهر و اعمال افراد از زمان تولد تا مرگشان بودند. لحظه مشخص انتخاب شده برای یک پرتره را نمی‌توان بدین شکل گسترش داد. پرتره نمایش ظاهر یک نفر در لحظه زمانی خاص است و تنها می‌توان به دیگر جنبه‌های زندگی او اشاره غیرمستقیم داشت. نشانه‌ها و دیگر فرم‌های کلامی در پرتره همچون پاورقی تصویر آن است. اما تصنعی بودن آنها اغلب می‌تواند در مقابل این تصور قرار گیرد که ما داریم به یک انسان زنده در یک لحظه معین نگاه می‌کنیم. علاوه براین، طبیعت آنچه یک بیوگرافی را تشکیل می‌داد به تدریج بعد از قرن شانزده تغییر کرد. بیوگرافی‌های اولیه بر نهادینه‌کردن پردازش والای افراد از طریق انتخاب دقیق اعمال و شخصیت آنها متمرکز بود. اما در ادامه، بیوگرافی‌ها نیز ممکن بود غیر معمول بودن یا کاستی شخصیتی را نشان دهند. در قرن ۱۹ و ۲۰ بود که بیوگرافی‌ها شروع کردند به ارائه مطالعات دقیق‌تر از انگیزه‌ها وحالت های شخصیتی افراد و همچنین جنبه های خصوصی زندگی آنان. در همین دوره بود که پرتره‌ها به شکلی مشابه از فرم نمایش کلی شخصیت به مطالعه دقیق‌تر شخصیت می‌پرداختند.(West,2004,51-52)

www.SID.ir

Archive of SID

پرتره به عنوان سند

حالت ویژه پرتره نگاری ارتباطی برجسته با اسناد تاریخی دارد. پرتره‌ها می‌توانند دارای حسی مستند باشند، مثل جزییات لباس، چیدمان اطراف، وسایل صحنه و برچسب اسم و سن مدل‌ها و همچنین می‌توانند خصوصیات زمان و مکان خاصی را زنده کنند. پرتره‌ها نیز مانند اسناد شامل کلمات هستند. این کلمات می‌توانند به صورت طومار یا قطعه کاغذی در تصویر ارائه یا بر روی خود بوم نقاشی یا روی قاب آن نوشته شوند. استفاده از برچسب‌ها برای نشان دادن سن مدل و یا تاریخ تولید آن پرتره یا دیگر اطلاعات در قرن پانزدهم و شانزدهم معمول می‌باشد. (Ibid,53). (تصویر۲).

تصویر۲: پاس سیمون وان د.(بعد از ۱۶۱۶میلادی). پوکاهانتس .(wes,54)

در گذشته قبل از عکاسی، پرتره تنها راه ثبت چهره یک شخص بود. پرتره‌ها همچنین می‌توانستند به عنوان یادآور اتفاقات مهم همچون ازدواج یا یک ملاقات دیپلماتیک باشند. پرتره‌های روی سکه ها نیز برای اثبات هویت قدرت دوران حکمرانی و مستحکم‌کردن قدرت فرمانروایان آن زمان استفاده می‌شدند. پرتره می‌تواند برای مستندسازی یا اعتباردادن به چهره و سن و موقعیت یا حتی هویت بیولوژیکی یک شخص به کار رود. اما باید توجه داشت که تصور و تفسیر جنبه‌های همه پرتره‌ها در مستند سازی و اثبات آنها به کار نمی‌آیند.(Auerbach,1954,10)

پرتره به عنوان نماینده و هدیه

به نظر می‌رسد یک پرتره به وسیله آوردن لحظه‌ای از گذشته فرد به حال حاضر، تصویری جادویی جایگزین شخص ارائه شده به بیننده می‌دهد. ارتباط خصوصی با مدل‌ها و چهره های آنها در قرن شانزدهم، هفدهم و هجدهم با مینیاتورها بیشتر به نظر می‌رسد. مینیاتورها پرتره های کوچکی بودند که در دست یا در گردنبندها یا جعبه های موسیقی یا دیگر زیورآلات نگهداری می‌شدند. سایز کوچک آنها باعث کارایی آنها در روابط خصوصی بین مدل‌ها و صاحبان تصویر می‌شد.(تصویر۳)

تصویر۳ : نیکولاس هیلیارد.(حدود ۱۵۸۵میلادی). سر والتر رالی .(west,60)

استفاده از پرتره برای آشنایی بین اشراف سلطنتی قبل از ازدواج امری رایج بود. پرتره برای نشان دادن قد و چهره و سن مدل‌ها و همچنین برای نشان دادن ثروت آنها کاربرد داشت. در قرن پانزدهم و شانزدهم اشخاص و کشورها پرتره های خود را برای ایجاد رابطه و نشان‌دادن رفاقت بین یکدیگر رد و بدل می‌کردند. از وقتی که پرتره‌ها به عنوان نماینده اشخاص غایب به کار می‌رفتند معمولاً به عنوان هدیه جابجا می‌شدند. به عنوان مثال کنسولگری روم معمولاً پرتره‌ها را در غالب عاج فیل، چوب یا فلزکاری شده برای ادای احترام به دوستان یا امپراطوری دیگرمی‌فرستاد.

مدرسه قدیمی شبانه انگلیسی به نام «کالج ایتون »[۹] ،تاریخ طولانی دراین رابطه داشته و از فارغ التحصیلانش می‌خواست تا یکی از پرتره هایشان را به مدرسه هدیه دهند و همچنان نیز این سنت دربعضی جاها ادامه دارد. پرتره بدین‌گونه قدرتی داشت که می‌توانست تفکرات صاحب خود را برای اشخاص دیگر ارائه کند. استفاده پرتره برای ازدواج و هدیه و تفکرات خصوصی از زمانی شکل گرفت که پرتره نه تنها برای ارائه شخصیت، بلکه برای برانگیختن احساس اشخاص در ذهن و تفکر بیننده ها بکار می رفت. (west,2004,59-62)

پرتره به عنوان بزرگداشت ویادگاری

پرتره ها اغلب به صورت شگفت آوری زندگی افرادی که مرده‌اند یا اشخاص مسنی که سنی از آنها گذشته را نگهداری می‌کنند. از آنجا که پرتره به نظر مردن را به زندگی

www.SID.ir

Archive of SID

تبدیل می‌کند یا گذشته را به حال می‌آورد. می‌تواند در زمینه انواع بزرگداشت‌ها و مراسم خاکسپاری کاربرد مفید داشته باشد. پرتره ها مدل‌های خود را به اشخاص غیرفانی تبدیل می‌کنند و به علاوه برای یادبود و محرکی برای یادآوری کارهایی که در گذشته انجام شده اند کاربرد دارند. (Marin,1988,89)

رابطه بین پرتره و مذهب، مرگ وخاکسپاری، بسیار قدیمی است. به علاوه می‌توان گفت پرتره‌ها جهت مراسم خاکسپاری مذهبی ابداع شده‌اند. در فرهنگ‌های باستانی اقیانوسیه و امریکای جنوبی پرتره به عنوان نشانه‌ای از افراد مرده بود. اهمیت این موضوع در رم باستان نیز به چشم می‌خورد جایی که رسم بود ماسکی از صورت مرده درست می‌کردند برای اینکه به عنوان شمایلی برای بقیه بازماندگان آن خاندان نگه دارند.(Hinks,1976,45)

ارتباط بین پرترەنگاری و مردگان چیزی نیست که با دنیای باستان به پایان برسد. از قرن‌ها و دوران میانی به بعد پرتره ها فرمی بزرگداشت مانند از مجسمه های مقبره ها به خود گرفتند. در اصل، مقبره‌ها شامل چهره اشخاص مرده و اغلب ثابت و غیرقابل تغییر بودند. اما پرتره های بعد از قرون وسطا به روی مقبره‌ها، نشانگر مشخصات اشخاص مرده بودند و به نسبت زیاد برای اشاره به شخصیت فرد مرده ، مهم شمرده می‌شدند و بیشتر از یک یادآوری مطلق از مرده به زنده کاربرد داشتند.(Piper,1992,45)

درخیلی از پرتره‌های قرن هفدهم یک جمجمه را به عنوان وسیله صحنه نشان می‌دادند. این به معنی یادآوری مرگ و تاکیدی بر مقصد نهایی همه اشخاص زنده بود. نشان دادن یک جمجمه یا نمادی دیگر از مرگ در یک پرتره، راهی بود برای کم فروشی تکبر در پرتره نگاری با رجوع به کارکرد مرگ. این سنت در پرترەنگاری اروپا و به طور طعنه آمیزی به وسیله هنرمندان در قرن نوزدهم و بیستم استفاده می‌شد و این نکته مهمی است که بدانیم رابطه بین مرگ و پرتره نگاری همچنان ادامه دارد. (تصویر۴)(2004, 65,West)

تصویر۴ : ادواردمونک.(۱۸۹۵میلادی). پرتره از خود با بازوی استخوانی .(west,66)

پرتره به عنوان ابزار سیاسی

اگرچه پرتره‌ها می‌توانند در غالب آثار هنری نشان داده شوند ولی آنها می‌توانند کاربردهای نمادین و تبلیغاتی نیز داشته باشند. آخرین و شاید مهمترین کاربرد پرتره نگاری که در اینجا به آن اشاره می‌شود این است که پرتره‌ها به عنوان ابزار سیاسی استفاده می‌شدند و می‌شوند. پرتره ها وسیله‌ای هستند برای انتقال تصویر یک شخص یا اشخاص برای بعضی از انگیزه‌های قدرتی و سیاسی. استفاده از پرتره ها برای اهداف سیاسی در نظر اول برای تبلیغات است. (Smith,1988,27)

پرتره‌ها لزوماً دردرون خود ماهیت تبلیغاتی ندارند اما آنها می‌توانستند برای نشان‌داده شدن در جاهای مختلف کپی شوند.کپی‌ها می‌توانستند تصویر را در هر جا و مکان و زمان به نمایش بگذارند. این موردی بود که با آن پادشاه یونان، اسکندر کبیر[10] را در همه جای دنیا به معرض نمایش گذاشت و نیز در دسترس بودن عکس مارتین لوتر[11] در کاتولیک‌های سرتاسر اروپا در تعلیم کاتولیک و نشان‌دادن قدرت او به همگان و به شهرت رسیدن او کمک شایانی کرد. بسیاری دیگر از مثال‌های قابل مشاهده دراین مورد، تکثیر سکه‌ها و اسکناس‌ها می‌باشد که عکس شاهان را برای هر کسی که پول داشت و در جابجایی پول و گردش مالی دست داشت قابل مشاهده کرد .(تصویر۵) پرتره‌ها تنها در صورت تغییرات سیاسی می‌توانستند تغییر کنند یا تغییر نام دهند و یا حتی از معرض دید عموم برداشته شوند و جای خود را با عکس قهرمان یا رهبر جدید عوض کنند. این عمل نمادین امروزه نیز قابل مشاهده است. هدف از خراب‌کردن و دستکاری کردن یک تصویر، شاهدی برقدرت سیاسی پرتره نگاری می باشد. (west,2004,66-69)

تصویر۵: سکه ای با نقش سر اسکندر کبیر از پرگامون .(حدود ۲۰۷ قبل از میلادی). (west,68)

www.SID.ir

Archive of SID

در قرون ۱۵ و اواخر ۱۷ میلادی، پرتره‌ها هنوز بسیاری از ویژگی‌های جادوگری و یادگار پرستی را نشان می‌دهند، این ویژگی‌ها در خصوصیات جایگزینی یا غیرمستقیم پرتره نشان داده می‌شدند. برای مدتهای زیادی حتی تا اواسط دوره روشنگری، تابلوهای شبیه مجرمان فراری که از چنگ قانون می‌گریختند به جای خود مجرمان شکنجه می شدند که به« شکنجه شمایل » [۱۲] معروف بود. براساس قانون، در چنین مواردی نقاشی می‌بایست بازنمود دقیق از مجرم فراری باشد و شکنجه به صورت نمادین بر روی تصویر اعمال شود.گویی بر روی اعضای بدن اعمال می‌شود. پدیده‌ای مشابه نیز که براساس مفاهیم جادوگری دیده می‌شود وجود داشت که شامل خراشاندن چشمان پرتره بود. حتی امروزه درآگهی‌هایی که در تابلو اعلانات وجود دارد. دیده می‌شود که چشمان تصاویر پاک می‌شوند و این کار اغلب طبیعتی سیاسی دارد. با این حال در آن زمان، خراب‌کردن تصویر دشمن یا رقیب باب بود. رفتارهایی شبیه به این که از گذشتگان به ارث برده بودند شامل نمایش عمومی تصاویرافراد قانون شکن جهت برملاکردن خطای آنها می شد، این پرتره ها معمولا موضوعات خود را کاریکاتوروار نشان می‌دادند و جهت تحریک حس سرزنش و تمسخر بینندگان طراحی می‌شدند.

اکثر مثال‌هایی که به آنها اشاره شد مربوط به موضوعات سیاسی یا حقوقی هستند. نگرش در این نمونه‌ها در رابطه با فردی که پرتره‌اش کشیده شده، نگرشی منفی و تحقیر آمیز است جهت تنبیه یا انتقام. با این حال کیفیت یادگار پرستی و طلسم پرستی یک پرتره می‌تواند به همان میزان، بیانگر نگرشی مثبت به موضوع پرتره باشد. یک پرتره سلطنتی معمولاً به شکل نیم‌تنه ایستاده بین سایبان و صندلی سلطنت در اتاق‌های ملاقات نمایش داده می‌شود. در اوایل قرن ۱۸میلادی قانونی وجود داشت که می‌گفت پرتره نماینده فردی است که گویی در آنجا حضور دارد. بنابراین افراد نشسته در آن اتاق نباید پشتشان را به او کنند. یا هر کسی به استثناء سفرا، در هنگام ورود به اتاقی که پرتره سلطان در آن آویزان است نباید با کلاه وارد شوند. این متن نشان می‌دهد که یکی از ویژگی‌های نیابتی پرتره، کارکرد بازنمودی آن بود که تا امروز مانده است. هدف از اکثر این شمایل‌ها کمابیش نشان‌دادن بی‌پرده قدرت، سلطه و اعتبار بود. البته این موضوع در مورد تنبیه شمایل نیز به همان اندازه صدق می‌کرد با این تفاوت که در این حالت هدف، تخریب قدرت رقیب بود.

پرتره‌های شاهزادگان به خصوص در مورد نمایش صادقانه گرایش آنها به قدرت بود. با این حال در میان اینها، پرتره سوارکاری جایگاه ویژه‌ای دارد. پرتره سوارکاری عموماً جهت القاء حس فرمان برداری در بیننده بود. استفاده از این روش، نشان تدبیر بورژوازی قدرتمند بود که غاصبان تازه به دوران رسیده ای همچون فرماندهان شبه نظامی آن روزگار ، قادر به استفاده از این ابزار جهت نشان دادن قدرت خود بودند . با این حال از آنجا که توان مالی آنها همیشه در حدی نبود که یک مجسمه از سنگ یا مرمر سفارش دهند، برخی از رهبران می‌بایست خود را به یک تصویر فرسک یادگاری پس از مرگ که دارای اثری خیالی اما در عین‌حال تأثیرگذار بوده است، قانع کنند. (Schneider, 2002, 26-28)

نتیجه‌گیری

پرتره نگاری تا به امروز برخی از ویژگی‌های اساسی خود را حفظ کرده و بسیاری از کارکردهایش دچار تغییر شده است. پرتره همیشه اثری هنری بوده که به قصد بازنمایی یا انتقال تصویر یک فرد مشخص خلق می‌شده است وهمیشه نوعی قدرت طلسم گونه داشته است. همچنین پرترەنگاری حائز کارکردهایی بوده که دیگر آثار هنری نداشته‌اند و خصوصیات روان‌شناسانه و فلسفی در آن وجود داشته که تنها به این‌گونه هنری منحصر بوده است. با این وجود تا اواخر قرن بیستم پرترەنگاری اصولاً یک پدیده غربی و بازتاب دهنده ویژگی‌های شخصی بود، به طوری که در بسیاری از دیگر فرهنگ‌ها، این یک خصوصیت نامتعارف بوده است. با جهانی شدن فرهنگ غربی، پرترەنگاری دیگر محدود به دنیای غرب نمی‌شود. با گسترش جغرافیایی این فرهنگ، پرتره‌نگاری نیز دچار تغییرات در زمینه‌های متفاوتی شده است.

امروزه پرتره‌ها در رسانه‌های گوناگونی ایجاد می‌شوند و اهداف متفاوتی دارند. هنوز پرتره ها علاوه بر انتقال شباهت و ثبت خصوصیات ظاهری، به شأن اجتماعی یا حرفه‌ای مدل در زمانی مشخص نیز می‌پردازند. هنوز هم سازمانها و افرادی هستند که پرترەها را سفارش می‌دهند تا پس از خلق، در معرض دید عموم قرار بگیرند. پرترەها هنوز نشانه های مهمی از عواطف خانوادگی، دوستی یا اتحاد گروهی در خود دارند و هنوز آنها ابزاری برای کند و کاو شخص هنرمند و تجربه تکنیکی او بکار می‌روند. با این حال پرترەنگاری به شیوه‌ای برای هنرمند تبدیل شده جهت بررسی خود آگاه مفاهیم هویت جنسی، نژادی و.... در نتیجه جهانی شدن، گسترش رسانه‌ها و هم زیستی کارکردهای کهن و نوین، پرتره نگاری در آغاز قرن بیست و یکم تبدیل به ژانری هنری شده که بیش از پیش دارای کارکردها و امکانات بازنمایی فراگیرشده است.

بنابراین به طورکلی می‌توان گفت همه پرتره‌ها جهت

www.SID.ir

Archive of SID

تحت‌تأثیر قراردادن مخاطب خلق می‌شدند، پرتره‌ها جستجوگر عزت و احترام برای مدل خود بودند هر چند دایره تأثیر این احترام وسیع یا محدود بود. علاوه بر کارکردهای پرتره که در این مقاله به آنها اشاره شد، ایده‌ها، هنجارها، توقعات ارکی تایپی و کهن الگویی مرتبط به آنها را می‌توان به عنوان مثال‌هایی از ساختارهای ذهنی دانست که پیدایش آنها به دوره‌های اولیه تمدن باز می‌گردد. آنها فراز و نشیب زمان را گذرانده‌اند و انواع مختلف جوامع را در نور دیدند.

پی‌نوشت

۱ـ Hans-Georg Gadamer

۲ـ Paolo Giovio

۳ـ Cosimo de Medici

۴ـ Cosimo de Medici

۵ـ Uffizi: گالری افیتسی در فلورانس در اصل به وسیله واساری(Vasari) در قرن ۱۶میلادی به عنوان ساختمان اداری برای کازیمو د مدیچی، طراحی شد. اما پس از کازیمو، کارکرد آن به یک گالری که کلکسیون های مهم هنری دنیا را در خود جای می‌داد تغییر کرد. تا قرن ۱۸میلادی هدیه دادن یک خودنگاره از هنرمند به کلکسیون افیتسی، توسط نقاشانی که ایتالیا را می‌دیدند به یک سنت تبدیل شده بود. امروزه این کلکسیون شامل ۱۵۰۰ اثر نقاشی می‌باشد که البته به سادگی در دسترس عموم قرار ندارند .

۶ـ CharlsWillson Peale

۷ـ G.F.Watts

۸ـ Richardson Jonathan

۹ـ Eton College

۱۰ـ Alexander Great

۱۱ـ Martin Luther

۱۲ـ Executio in effigie

فهرست منابع

1-Auerbach, Erna, **Tudor Artists:A Study Of Painters In The Royal Service And Of Portraiture On Illuminated Documents From The Accession Of Henry VII To The Death Of Elizabeth1**, London, University Of London, First Edition, 1954.

2- Eichberger, Bagmar, And Lisa Beaven, **Family Members And Political Allies: The Portrait Collection Of Margaret Of Austria**, The Art Bulletin, Jun, 1, 1995.

3- Fortune , Brandon Brame, **Charles Willson Peales's Portrait Gallery:Persuasion And Plain Style,Word And Image**, October-December, 6, 1990.

4- Gadamer, Hans -Georg, **Truth and Method** , London,Crossroad,Second Edition, 1989.

5- Hinks, Roger Packman, **Greek And Roman Portrait Sculpture**, London,British Museum Publications For The Trustess Of The British Museum, Second Edition, 1976.

6- Ingamells, John, **The English Episcopal Portrait 1559-1835**, London, Paul Mellon Center For Studies In British Art, First Edition, 1981.

7- Klinger, Linda Susan, **The Portrait Collection Of Paolo Giovio**, London, Princeton University, First Edition, 1991.

8-Marin, Louis, **Portrait Of The King**, Italy, Mac Millan, First Edition, 1988.

9-Piper, David, **The English Face**, London, National Portrait Gallery, First Edition, 1992.

10- Pointon, Marcia, **HangingThe Head : Portraiture And Social Formation In Eighteenth-Century England**, London, Yale University Press, First Edition, 1993.

11-Pope-Hennessy, John, **The Portrait In The Renaissance**, London,Bollingen Foundation, First Edition, 1966.

12- Prinz, Wolfram, **Die Sammlung Der Selbstbildnisse In den Uffizien**, Berlin, Mann, First Edition, 1971.

13- Richardson, Jonathan, **An Argument In Behalf Of The Science Of Aonnoisseure**, London, W.Churchill, First Edition, 1719.

14- Schneider, Norberl, **The Art Of The Portrait** , Italy, Taschen G M B H, First dition, 2002.

15- Smith, R.R.R, **Hellenistic Royal Portraits**, New York, Clarendon Press, First dition, 1988.

16- Wendorf, Richard, **The Elements Of Life:Biography And Portrait Painting In Stuart And Georgian England**, New York,Oxford University Press, First Edition, 1990.

17- West, Shearer, **Portraiture**, New York, Oxford University Press, First Edition, 2004.

www.SID.ir